

تحلیلی بر چهارچوب‌های کلان اقتصاد اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری^۱ اقتصاد اسلامی اقتصاد تمدن ساز

عمار خسروجردی^۲

چکیده

در این نوشتار تلاش بر این است که با توجه به تأکیدات جدی مقام معظم رهبری بر مباحث اقتصادی در سال‌های اخیر به خصوص بر حل مشکلات اقتصادی جامعه در قالب الگوی اقتصاد اسلامی، به این مهم بپردازیم و با توجه به بیانات خود ایشان، نگاه نظری و رویکردها و راهبردهای مد نظر ایشان در مباحث اقتصاد اسلامی به عنوان یک نگاه نظری اسلامی و بومی در ایجاد تمدن اسلامی و حل معضلات اقتصادی به صورتی جامع مورد تحلیل قرار بگیرد. این روش روشی نزدیک به تحلیل محتوا همراه با جامع‌نگری است. تا حدی از روش تفسیر متن به متن نیز استفاده شده است. جمع‌بندی نهایی این نوشتار این است که معظم‌له الگوی اقتصاد اسلامی را به عنوان یکی از چهارچوب‌های حرکت کشور در مسیر تمدن‌سازی اسلامی مد نظر دارند و حرکت در چهارچوب اقتصاد اسلامی، یکی از زمینه‌های ایجاد تمدن اسلامی و همچنین بستر ساز حل مشکلات اقتصادی کشور در نگاهی خدامحور است و حل معضلات اقتصادی کشور در این چهارچوب به پایداری نظام جمهوری اسلامی می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، اقتصاد اسلامی، شکوفایی اقتصادی، الگوی مصرف.

۱. منبع بیانات مقام معظم رهبری پایگاه اینترنتی معظم‌له است.

۲. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه اقتصاد.

دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۳

مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطفی در تاریخ جهان دانست. این انقلاب در دورانی به پیروزی رسید که دو تفکر حاکم بر جهان آن روز، لیبرال سرمایه داری و مارکسیسم، دین را بر اساس مبانی خود از عرصه حیات اجتماعی بشرو به خصوص از عرصه حاکمیت کنار گذاشته بودند. در چنین شرایطی در بحبوحه نزاع میان این دو تفکر، انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک مرجع برجسته شیعی - امام خمینی رحمته الله علیه - به پیروزی رسید.

این انقلاب به رغم چالش های بسیاری که از سوی هر دو جریان فکری سیاسی غالب در آن دوران، برایش به وجود آمد، توانست از این چالش ها چون شهادت های بسیاری از نظریه پردازان خود و جنگ تحمیلی و فتنه افکنی های داخلی و خارجی، با رهبری الهی امام خمینی رحمته الله علیه و پس از ایشان، آیه الله خامنه ای، عبور کرده، به فضل الهی به ثبات در عرصه سیاسی دست یابد.

در حال حاضر، انقلاب اسلامی در یکی از تاثیرگذارترین دوره های خود قرار دارد. مارکسیسم همان گونه که امام خمینی رحمته الله علیه پیش بینی فرمودند، به موزه های تاریخ پیوست^۱. لیبرال - سرمایه داری نیز امروز با بحران های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظری مواجه است. ادوار مختلف رکود اقتصادی و به خصوص رکود اخیر، یکی از اقسام این بحران هاست. امروز جهان در عرصه های مختلف، به خصوص در عرصه نظریات توسعه و به ویژه در عرصه توسعه اقتصادی، نیازمند نظریات و دکترین های جدید است و انقلاب اسلامی ایران، توانایی ارائه نظریات جدید برای توسعه را داراست. بیانات حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار راهگشاست.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۷.

حضرت امام علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«اگر قوانین اسلام در همین مملکت کوچک ما جریان پیدا کند، روزی بیاید که پیشقدم در تمدن جهان باشد... اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم و این قدرت در همه افراد بشر به قوه هست،... یک ملتی وقتی یک مطلب را باور کرد که می‌تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد... اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند، آنها ما را از همه چیز تهی کرده بودند، به طوری که افکار ما و باورهای ما همه وابستگی داشت. اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت وابستگی پیدا می‌کند... عمده این است که افکار شما از وابستگی به قدرت‌های بزرگ آزاد بشود...»^۱

این بیان حضرت امام علیه السلام با صراحت به این امر اشاره دارد که اگر فکرو بینش نظری یک جامعه وابستگی پیدا کرد، به صورت طبیعی باقی ابعاد آن جامعه نیز وابسته خواهد شد. بنابراین اولین پیش‌نیاز حرکت جامعه در مسیر استقلال، حرکت به سوی استقلال فکری است.

این موضوع دغدغه مقام معظم رهبری نیز بوده و هست. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«اساس کار در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تحقق آرمان‌های اسلامی است... هیچ فشار سیاسی و خارجی و نیز هیچ ضرورت اجتماعی، نباید موجب صرف نظر کردن از آرمان‌های اسلامی شود... سازمان برنامه و بودجه در گذشته اساساً با تفکر امریکایی و با هدف استفاده از الگوهای غربی به وجود آمد، اما ایران اسلامی، الگوی متناسب با واقعیات خود را دارد و بر همین اساس این سازمان باید در برنامه‌ریزی‌های خود با روحیه کپی کردن نظریات غرب مبارزه کند، چون آنچه را که در غرب، در زمینه توسعه بیان

۱. خاکبان، سلیمان، درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران، ص ۴.

می‌کند، از فرهنگ و اهداف استعماری جدا نیست».^۱

این دغدغه در چهارمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مد نظر مقام معظم رهبری است. ایشان چهارمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی را دهه عدالت و پیشرفت نامگذاری کرده‌اند و درباره این دهه می‌فرمایند:

«اما همین‌ی که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی-ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. خوب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست. مسیر منسوخ و برافتاده اردوگاه شرق قدیم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی-اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم، با سرعت مناسب.

راه حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد. این راه حل را شما باید پیدا کنید.... باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگوگرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید...»^۲

حضرت امام خمینی علیه السلام و به خصوص مقام معظم رهبری در بیانات خود به آسیب‌شناسی نگاه‌ها در تدوین الگوهای توسعه اقتصادی کشور در گذشته پرداخته‌اند و در این راستا، به نوعی به برنامه‌ریزان اقتصادی هم تذکر لازم را داده‌اند و بر ضرورت پرهیز از کپی‌سازی نظریات غربی و همچنین تولید فکر و نظریه در اداره کشور تأکید کرده‌اند. این نگرش شامل زمان و مکان یا برنامه خاصی نیست. اینکه مقام معظم رهبری در شروع چهارمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی بر استقلال فکری و نظریه‌پردازی تأکید دارند نیز به خوبی نشان می‌دهد که رویکرد استقلال فکری در برنامه‌ریزی‌ها باید رویکردی پایدار

۱. همان، ص ۵.

۲. بیانات رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

در اداره کشور باشد.

یکی از واقعیت‌های تلخ در عرصه سیاست‌گذاری و طراحی و برنامه‌ریزی‌ها در مدیریت کلان کشور، عدم توجه دقیق و جامع به چهارچوبه‌ها و قیود و راهبردهایی است که مقام معظم رهبری برای مدیریت کلان کشور ترسیم می‌کنند. متأسفانه این عدم توجه در طراحی برنامه‌های اقتصادی و غیراقتصادی در کشور نمود بسیاری دارد. این عدم توجه در عرصه اقتصادی بیش از پیش، خود را نشان می‌دهد.

در این نوشتار سعی بر این است که با توجه به دغدغه‌های بسیار جدی مقام معظم رهبری در مباحث اقتصادی در سال‌های اخیر که روند نام‌گذاری‌های سال‌های اخیر به خوبی این دغدغه را نشان می‌دهد و به خصوص تأکید ایشان بر موضوع حل مشکلات اقتصادی جامعه از طریق الگوهای بومی و اسلامی در چهارچوب مبانی اقتصاد اسلامی، با استفاده از بیانات خود ایشان، به عنوان یک الگوی نظری اسلامی و بومی در ایجاد شکوفایی و حل معضلات اقتصادی در کشور به صورتی جامع مورد تحلیل قرار بگیرد.

آنچه را که باید مد نظر قرار داد این است که فرمایشات مقام معظم رهبری دارای یک نظم و انسجام هستند. یکی از چالش‌هایی که در تبیین بیانات مقام معظم رهبری و به صورت کلی در تبیین بیانات و اندیشه‌ها وجود دارد، عدم توجه به جامعیت اندیشه‌ها و بیانات است. بر این اساس باید سعی نمود در فرایند تبیین اندیشه‌ها پیوستگی و جامعیت آنها را حفظ کرد. این امر به این معناست که باید چراها و علت‌ها و اولویت‌ها و چگونگی‌ها، روابط میان مباحث را در خود اندیشه مد نظر جست و جو نمود. این امر درباره اندیشه‌های رهبران جامعه دینی باید بیش از پیش مد نظر قرار بگیرد؛ زیرا بخش زیادی از بیانات و اندیشه‌های این رهبران در جامعه باید به عنوان مبانی سیاست‌گذاری‌ها مد نظر قرار بگیرد و عدم توجه به جامعیت این بیانات و اندیشه‌ها، بسترساز نقص در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خواهد بود. علاوه بر این تفسیر به رأی این اندیشه‌ها، بسترساز انحراف در فهم این بیانات است و حتی ممکن است که منجر به انحراف جامعه گردد. امید است که این نوشتار تلاشی هر چند کوچک در جهت

تبیین رویکرد مقام معظم رهبری به این موضوع مهم و خطیر باشد.

۱- مدل کلان اقتصاد اسلامی در بیانات رهبری

یکی از دغدغه‌های جدی در حوزه مباحث اقتصاد اسلامی، فقدان ترسیم الگوهای کلانی است که بتواند نظریه‌پردازی‌ها و تولید ادبیات علمی در این موضوع را به سمت مباحث راهبردی و مورد نیاز اقتصادی جامعه سوق دهد؛ الگوهایی که بتوانند دغدغه‌هایی مانند رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه، استقلال و سایر دغدغه‌های کلان کشور را با توجه به مبانی اسلامی راهبردی نمایند. این موضوع دغدغه جدی رهبر معظم انقلاب است. ایشان در تحلیل فضای کلان اقتصاد اسلامی می‌فرمایند:

«وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دوتا پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دورا تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دوتا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقرا را برطرف کنیم. بنابراین هر دوتا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید؛ باید این دوتا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد»^۱.

در این بیان، رهبر معظم انقلاب افزایش ثروت ملی و عدالت را اصلی‌ترین پایه‌های

۱. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی.

اقتصاد اسلامی در نگاه کلان معرفی می‌کنند؛ اما نکته کلیدی این است که در این بیان رهبری هدف از تولید ثروت نیز ایجاد توانمندی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و برقراری عدالت به عنوان یکی از این اهداف است. در واقع در این نگرش، اقتصاد اصل نیست، بلکه خود وسیله‌ای برای برقراری اهداف جامعه اسلامی است.

در این زمینه یک پرسش بسیار کلیدی را باید پاسخ داد و آن هم این است که اهداف اصیل انقلاب اسلامی که تولید ثروت برای تحقق این اهداف باید صورت پذیرد چیست؟

۲- تمدن سازی اسلامی، هدف اصلی انقلاب اسلامی

آنچه که می‌تواند بیش از پیش رویکرد کلان مقام معظم رهبری را نسبت به الگوهای مختلف مد نظر ایشان در مدیریت کلان کشور و به خصوص در عرصه اقتصاد مشخص نماید، هدف‌گذاری ایشان برای انقلاب اسلامی است.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«آنچه ما تصور می‌کنیم که وظیفه ماست، وظیفه مجموعه مسئولان کشور است، وظیفه دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه بزرگ را برای همه تصمیم‌گیری‌ها و همه اقدام‌ها در نظر داشته باشد: «مؤلفه اول عبارت است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمان‌ها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.»^۱

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲.

مقام معظم رهبری با صراحت تمدن‌سازی دینی را هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. ایشان در بیانات خود، هدف اصلی طراحی و اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را نیز حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی معرفی نموده‌اند:

«ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ یک بخش، بخش، بخشی است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید توجه کرد... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است»^۱.

در حقیقت اگر ما مجموعه بیانات ایشان را در کنار هم قرار دهیم، به این جمع‌بندی می‌رسیم که هدف اصلی از انقلاب اسلامی، تحقق آرزوی دیرینه انبیاء و اولیای الهی یعنی ایجاد جامعه‌ای واقعی مبتنی بر ارزش‌های الهی در تمامی عرصه‌های حیات بشری است. این جامعه‌الگویی برای تمدن‌سازی اسلامی است. این جامعه مطلوب و آرمانی، نمود واقعی خود را در قالب تحقق سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های دینی، در تمامی عرصه‌های حیات بشری نشان می‌دهد. نوع سبک زندگی هم‌الگویی را می‌سازد که

۱. بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴.

ترویج این الگو مروج فکر و اندیشه الهی انبیاء و اولیای الهی است که در ورای این الگو است و آن را ترویج می‌نماید. بنا براین هر الگوی سیاست‌گذاری اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و... باید زمینه ساز ایجاد و بسط الگوی تمدن اسلامی باشد.

در این رویکرد اقتصاد اسلامی و راهبردهای منبعث از آن، راهبردهایی هستند که یکی از بسترهای حرکت جامعه در مسیر تمدن اسلامی را فراهم می‌سازند. بنابراین هدف از تولید ثروت نیز چیزی جز حرکت در مسیر اهداف کلان انقلاب اسلامی به خصوص تمدن سازی دینی نمی‌باشد.

۳- عدالت در افق اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب عدالت را یکی از دو بال اصلی الگوی کلان اقتصاد اسلامی می‌دانند. در این چهارچوب به نظر می‌رسد که تحلیلی بر مسئله عدالت در افق نگاه ایشان می‌تواند راهگشا باشد. ایشان در زمینه لزوم همراهی عدالت و پیشرفت می‌فرمایند: «... نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت، یعنی برابری در عقب ماندگی، برابری در فقر، این رانمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم، پیشرفت، همراه با عدالت، باید فواید طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرك استعداد دارند، فرصت‌های برابر دریافت کنند. اگر کسی تنبلی کرد، تنبلی‌اش به گردن خودش. نباید این جور باشد که در برخی از مناطق کشور، مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضی‌ها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند... کشور باید پیشرفت کند، پیشرفت در همه بخش‌ها: ... اما همه این پیشرفت‌ها باید در سایه عدالت و در کنار تأمین عدالت باشد»^۱.

ایشان در بیان دیگری به یکی از آثار الگوی پیشرفت عدالت محور اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

۱. بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱.

«همه ما پیشرفت‌های این کشور را در زمینه علم، فناوری، تحقیقات و توسعه اقتصادی می‌دانیم و می‌بینیم. این پیشرفت‌ها برای این ملت طبیعی است. اگر این ملت پیشرفت نکند، غیرطبیعی است. آنچه باید روی آن تکیه و برای آن تلاش کرد، این است که این حرکت‌ها و این پیشرفت‌ها در سایه عدالت اجتماعی انجام بگیرد تا جوانان و همه مردم بخش‌های گوناگون ایران بتوانند از امکانات این کشور استفاده کنند».^۱

البته مقام معظم رهبری با صراحت، عدالت اجتماعی را که در حقیقت بروز و ظهور تام و تمام عدالت در عرصه اداره جامعه است، تعریف کرده‌اند:

«عدالت اجتماعی، بدین معناست که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابه حق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد، و همه کس بداند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.»^۲

در این تعریف رهبری، تکیه بر منافع محرومان، از اولویتهای بسیار جدی برخوردار است. با توجه به مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در زمینه عدالت همراه پیشرفت، نکات زیر قابل استنتاج است:

الف: ما باید در مسیر پیشرفت کشور به دنبال پیشرفت در سایه عدالت باشیم و این امر به این معناست که عدالت باید مقدمه و نتیجه پیشرفت باشد؛ یعنی باید عدالت در توزیع منابع تولید و در روابط اقتصادی برقرار باشد و آنچه که به دست می‌آید نیز باید عادلانه توزیع گردد. این امر به الگوی عدالت و پیشرفت توأمان خواهد انجامید.

۱. بیانات در دیدار با مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸.

۲. جاویدی، مجتبی، قاموس عدالت، ص ۲۸.

خدای تبارک و تعالی در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید، یکی از فلسفه‌های دعوت انبیاء را اقامه قسط معرفی می‌کند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾
(حدید/۲۵)

باتوجه به رهنمودهای رهبری که انقلاب اسلامی را انقلابی در مسیر انبیاء معرفی می‌کند، تکیه بر قسط و عدالت هم، بیانگر تأکید رهبری بر حرکت انقلاب و جامعه ما در مسیر انبیاء و اولیاء است.

ب: مقام معظم رهبری در این بیانات خود به نوعی به نظریه‌پردازی در مسئله عدالت هم می‌پردازند و بخشی از زوایای عدالت را از دیدگاه خود بیان می‌دارند.

تکیه بر کاهش شکاف طبقاتی و رفع فقر و همچنین تکیه بر توسعه متوازن منطقه‌ای برای ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد و تحرک اقتصادی، برخی از زوایای عدالت در عرصه اقتصاد را از نگاه ایشان به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این، این موضوعات به نوعی در دل خود به موضوع محرومیت‌زدایی تأکید دارند. یکی از لوازم اصلی ایجاد توازن منطقه‌ای و ایجاد فرصت‌های برابر و همچنین کاهش شکاف طبقاتی، محرومیت‌زدایی از مناطق محروم و ایجاد بستر سرمایه‌گذاری در این مناطق است و همچنین ایجاد شرایطی در جهت بالابردن درآمد طبقات محروم است.

ج: تکیه ایشان بر ایجاد فرصت‌های برابر در جهت ایجاد زمینه کار و فعالیت اقتصادی، به خوبی نشان می‌دهد که در نگاه ایشان، ایجاد رفاه و رفع فقر و حل مشکلات محرومان و عموم مردم، باید در قالب الگویی تولیدمحور و مبتنی بر کار و تلاش صورت پذیرد. در حقیقت در نگاه رهبری، هدف ایجاد یک اقتصاد منفعل که یک نگاه صدقه‌ای دارد نیست، بلکه هدف این است که با گسترش تولید و حفظ کرامت مردم، منافع آنان و رفاه عمومی تقویت شود. البته یکی از لوازم جدی این الگو، توانمندسازی طبقات محروم جامعه و کسانی است که بنا به هر دلیلی، توانمندی لازم را برای کار و تلاش اقتصادی دارا نیستند. این امر هم چیزی جز توجه به منافع طبقات محروم جامعه

نیست.

در واقع می‌توان گفت که تکیه بر محرومیت زدایی، اصلی اساسی در تعریف رهبر معظم انقلاب از عدالت است. این دیدگاه ایشان نیز مبتنی بر بیانات امام علی علیه السلام و به نوعی تأکید بر استمرار حرکت انقلاب اسلامی در مسیر انبیاء و اولیای الهی است. امام علی علیه السلام حل معضلات محرومان را یکی از فلسفه‌های اصلی حکومت اسلامی معرفی می‌کنند:

«لولا... و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقازوا علی کظة ظالم ولا سغب مظلوم لالقیة حبلمها علی غاربها و لسقیة آخرها بکأس اولها»^۱.

«و اگر نبود عهده و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان (هر جامعه) گرفته که در برابر شکم خواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان تاب نیارند و سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌کردم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته خود را به کناری می‌داشتم».

بدین سان یکی از خاستگاه‌های اصلی مشروعیت حکومت دینی تکیه بر منافع محرومان است و بنابراین هر الگوی اقتصادی در حوزه کلان اقتصاد اسلامی باید بخشی از راهبردهای خود را معطوف به حل مشکلات طبقات محروم جامعه اسلامی نماید.

۴- تولید ثروت در بیانات رهبری

رهبر معظم انقلاب تولید ثروت را نیز یکی دیگر از ابعاد و زوایای کلان و اصلی اقتصاد اسلامی بیان می‌کنند. به نظر می‌رسد که تحلیل نوع نگاه رهبری در تبیین موضوع تولید ثروت نیز می‌تواند نوع نگرش مقام معظم رهبری به مفهوم اقتصاد اسلامی را واضح‌تر نماید. معظم‌له در دیدار با مسئولان اقتصادی پیرامون اصل ۴۴ قانون اساسی، نکات جالبی را دربارهٔ با فرهنگ تولید ثروت در اسلام مطرح می‌کنند. ایشان ضمن تأکید بر این امر که ثروتمندشدن از راه قانونی و مشروع هیچ اشکالی ندارد، می‌فرمایند:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

«... دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه تولید و نحوه استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است، چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد. از راه‌های غیرقانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد، مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد، بتواند مثل خونی در رگ‌های جامعه جریان پیدا کند، صرف در فساد نباشد.

... شما در کتاب‌ها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لاوقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم‌آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد...»^۱

اگر بیانات دیگری از مقام معظم رهبری را در کنار این بیان قرار دهیم، می‌توانیم به نتایج جامعی در عرصه سیاست‌گذاری تولید ثروت در نگاه رهبر معظم انقلاب دست یابیم.

۴-۱. تولید، اساس اقتصاد کشور

ایشان بخش تولید را اساس و قائمه اقتصاد در کشور می‌دانند:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴

قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

«تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمه اقتصاد در کشور است...»^۱.

ایشان در بیانات خود در نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ نیز بر اهمیت تولید تأکید کرده، می‌فرمایند:

«من امسال تقسیم می‌کنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آن چنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهد ماند... اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد، مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.»

در این نگاه، تقویت تولید ملی در بلندمدت به کندشدن کید و مکردشمنان و در واقع پایداری انقلاب و نظام اسلامی می‌انجامد.

البته رهبر معظم انقلاب بر موضوع حل معضل اشتغال در نام‌گذاری سال‌ها در گذشته نیز تأکید داشته‌اند. ایشان سال ۱۳۸۰ را نیز سال اقتدار ملی و اشتغال‌زایی نام‌گذاری کرده بودند. این موضوع نیز به خوبی دغدغه ایشان در زمینه اشتغال‌زایی را نشان می‌دهد.

۲-۴. مدیریت در جهت استفاده همه مردم از فواید تولید ثروت

یکی از دغدغه‌های جدی رهبر معظم انقلاب نگاه مدیریتی ایشان به موضوع استفاده آحاد جامعه از فواید تولید ثروت در جامعه است.

این دغدغه ایشان نشان می‌دهد که موضوع تولید ثروت در نگاه معظم‌له یک موضوع مدیریت شده است و این گونه نیست که این موضوع بر اساس آموزه‌های اقتصاد لیبرال

۱. بیانات معظم‌له در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۱۳۹۰/۵/۲۶.

امری رها شده باشد، بلکه به مدیریت جدی نیاز دارد و این مدیریت باید در جهت استفاده عموم مردم از منافع تولید ثروت باشد.

«سرمایه‌گذاری ثروتمندان در بخش‌های تولیدی و تولید ثروت در جامعه یک عبادت و ثواب است که این فرهنگ باید بیش از پیش در جامعه عمومیت یابد، ضمن آنکه مدیریت کشور نیز باید به گونه‌ای باشد که همه طبقات و قشرهای مختلف از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند»^۱.

اگر با نگاهی ذوابعاد و جامع، بیانات رهبری تحلیل و بررسی شود، مباحث زیر قابل استنباط است:

۱- در نگاه مقام معظم رهبری، تولید ثروت از راه حلال و در مسیر قانونی و مشروع و در خدمت منافع تمام جامعه به خصوص نیازمندان و البته با حفظ سهم ایجادکننده ثروت، امری ممدوح و عبادت است.

۲- ایشان بر این نکته تأکید می‌کنند که ثروت نباید موجب فساد در جامعه شود. تولید ثروت در جامعه باید به گونه‌ای باشد که ثروت و فرایند تولید ثروت، موجب فساد در جامعه نگردند. اصل مبارزه با فساد بر اصل تولید ثروت مقدم است. مقام معظم رهبری در بیانی دیگر ضمن تبیین آثار فساد اقتصادی می‌فرمایند:

«امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است، این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی اینکه خزانه این کشور که باید صرف مردم بشود. صرف ساختن پل و راه و سد و آب‌رسانی و آبادکردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود، به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود.

... ضرر دوم این است، کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند، کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند، وقتی دیدند از راه‌های

۱. بیانات رهبری در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱.

نامشروع می‌شود، این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع بکنند...»^۱.

در حقیقت براساس بیان رهبری، فساد اقتصادی به عنوان مانعی در برابر تولید عمل می‌کند.

۳- ایشان بخش تولید را اساس و قائمه اقتصاد در کشور می‌دانند و بر گسترش حمایت از سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش تولید تأکید دارند. با توجه به این نگاه باید شرایط اقتصادی را به گونه‌ای طراحی و مدیریت نمود که فضای تولید در اقتصاد کشور رونق بگیرد و تولید بهترین و اصلی‌ترین بستر تولید ثروت در جامعه شود. باید با موانع تولید مقابله کرد و همه بخش‌های اقتصاد در خدمت تولید باشند. آنچه را که باید مد نظر قرار داد این است که گسترش نگاه تولید محور در جامعه اسلامی، می‌تواند بسترساز رشد و گسترش اشتغال و حل معضلاتی مانند بیکاری و تورم در جامعه گردد. فراموش نباید کرد که بیکاری و تورم معضلاتی هستند که بیش از پیش طبقات محروم جامعه را رنج می‌دهند. در حقیقت در رویکرد مقام معظم رهبری به موضوع تولید ثروت، با تبدیل تولید به بخش اصلی اقتصاد و حمایت از تولید داخلی، در نهایت مشکل بیکاری و تورم به عنوان دو معضل اساسی طبقات محروم جامعه برطرف می‌گردد. البته در بحث توانمندسازی طبقات محروم جامعه در فعالیتهای اقتصادی نیز به نوعی به بحث نگاه تولید محور رهبری در جهت تأمین منافع محرومان، اشاره گردید.

البته این امریک لازمه بسیار جدی نیز دارد که ایشان در بیانات خود با صراحت به آن اشاره کرده‌اند و آن این است که فرایند مدیریت تولید و توزیع ثروت در جامعه نیز باید به گونه‌ای صورت پذیرد که همه طبقات و قشرهای مختلف به خصوص محرومان از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند. دلالت این نگرش این است که مجموعه سیاست‌های اقتصادی به خصوص در بازتوزیع ثروت باید به گونه‌ای باشد که به گسترش

۱. بیانات رهبری در دیدار با قشرهای مختلف مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

شکاف طبقاتی در کشور نینجامد.

ایشان بر نظامی از گردش مالی و روابط در اقتصاد کشور تأکید می‌کنند که در این نظام، ثروت تنها به رشد اغنیاء منجر نگردد، بلکه بستر رشد مالی و اقتصادی برای تمام جامعه به خصوص محرومان و مستضعفان، فراهم شود.

این نگاه رهبری، منطبق بر آیه ۷ سوره مبارکه حشر است که در آن به یکی از شاخصه‌های نظام اقتصادی اسلام تأکید شده است؛ اینکه نباید ثروت‌ها، تنها در میان اغنیاء دست به دست گردد:

﴿مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.

«آنچه خدا از اموال مردم آن آبادی‌ها، بدون پیکار مجاهدان، به پیامبرش بازگردانید، سهمی از آن به خدا اختصاص دارد که باید در راه او هزینه شود، و سهمی از آن برای پیامبر و سهمی برای خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. این تقسیم بدان جهت است که این اموال میان توانگران شما دست به دست نگردد. آنچه را که رسول خدا به شما پرداخت، آن را بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت از آن دست بردارید و از خدا پروا کنید و با پیامبر او مخالفت نکنید که خدا سخت کیفر است.»
فراموش نباید کرد که بر اساس آیات قرآن کریم، زمانی که انسان احساس استغناء نماید، اهل طغیان می‌شود.

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْثَىٰ﴾ (علق/۶-۷).

«چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند. از اینکه خود را بی‌نیاز بیند!»

اگر گردش ثروت در جامعه تنها در میان اغنیاء صورت پذیرد، می‌تواند بستر استغناء و بی‌نیازی را در میان آنان، گسترش دهد و به طغیان ایشان منجر گردد و این طغیان می‌تواند به گسترش مظاهر نافرمانی از فرامین الهی در تمامی عرصه‌های زندگی بینجامد.

در واقع با توجه به اینکه هدف اصلی از الگوی اقتصادی مدّ نظر رهبر معظم انقلاب، حرکت به سمت تمدن اسلامی است که یکی از مظاهر آن سبک زندگی اسلامی و رفتارهای اسلامی است، نباید الگوی تولید ثروت در اقتصاد اسلامی به گسترش مظاهر نافرمانی از فرامین الهی و در نتیجه تضعیف سبک زندگی اسلامی منجر گردد.

البته باید به يك نکته کلیدی توجه کرد و آن هم این است که خدای متعال تفاوت در رزق را نهی نفرموده است. خدای حکیم و قدیر به تفاوت در رزق و معیشت در آیه ۳۲ سوره مبارکه زخرف، اشاره کرده است:

﴿أَمْهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾
(زخرف/۳۲)

«شگفتا! آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند تا نبوّت را به هر که بخواهند عطا کنند؟ ماییم که حتی وسیله گذران آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده، و برخی از آنان را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داده ایم تا یکدیگر را به خدمت گیرند و زندگی اجتماعی خود را سامان بخشند. و نبوّت که رحمت پروردگار توست بهتر از مال و ثروتی است که آنان گرد می آورند. پس چگونه ممکن است اعطای این مقام را برعهده آنان بگذاریم؟»

البته با توجه مباحثی که مطرح شد، این تفاوت در رزق، نباید به نافرمانی از امر الهی و قیودی که خدای متعال در استفاده از ثروت بیان نموده است، منجر گردد.

۴- مقام معظم رهبری در این بیانات خود، حضرت علی علیه السلام را به عنوان الگوی مطلوب تولید ثروت در جامعه دینی مطرح می کنند. بیان این الگو در ایجاد و تولید ثروت در جامعه دینی به نوعی تفاوت نگرش اسلامی به تولید ثروت در مقایسه با دیگر الگوهای تولید ثروت را بیان می دارد.

۵- علاوه بر این، ایشان با تکیه بر بحث ممدوح بودن تولید ثروت در جامعه توسط افراد، بر الگوهای کمونیستی و بانگاہ سوسیالیستی خط بطلان می کشند. در حقیقت ایشان نگاه

دولت سالاری تمام عیار را براساس رویکردهای کمونیستی و سوسیالیستی نفی می‌کنند و براین اساس نگاه محرومیت‌زدایی در اندیشه ایشان، نگاهی با اندیشه چپ نیست.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که با توجه به جمیع مباحث ارائه شده می‌توان موارد زیر را بیان کرد:
الف: در افق نگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد اسلامی داری دو رکن اساسی است؛ عدالت و تولید ثروت. در نگاه ایشان تولید ثروت خود وسیله‌ای برای زمینه‌سازی در باره تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی است. بزرگ‌ترین هدف انقلاب اسلامی نیز ایجاد الگویی برای تجلی تمدن اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین آرمان حرکت انبیاء و اولیای الهی است.

در نوع نگاه رهبر معظم انقلاب الگوی اجتهادی حوزه و الگوهای اقتصادی در دانشگاه‌های ما باید بتوانند با تکیه بر مبانی قرآنی و با نگاهی جامع که تمامی عرصه‌های حیات را در بر می‌گیرد الگوهای اقتصادی را ارائه دهند.

ب: در نگاه معظم له عدالت باید مقدمه و نتیجه پیشرفت‌های اقتصاد باشد. علاوه بر این تکیه بر محرومیت‌زدایی نقشی اساسی در هندسه مفهومی عدالت در نگاه رهبر معظم انقلاب دارد.

هدایت فرایندهای اقتصادی و برنامه‌ریزی در جهت حل معضلات طبقات کم‌درآمد جامعه، می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر مردم را در جهاد اقتصادی و حل معضلات اقتصادی کشور، فراهم آورد.

بر این اساس به عنوان مثال، هدایت منابع ناشی از هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها در جهت کاهش هزینه‌هایی مانند هزینه‌های درمانی و یا گسترش وسایل حمل و نقل عمومی، به عنوان بخشی از نیازهای اصلی طبقات محروم جامعه می‌تواند به عنوان بخشی از بسته‌های سیاستی در اداره کشور مد نظر قرار بگیرد.

علاوه بر این، ایجاد تسهیلاتی مانند نرخ سود پایین بانکی یا دریافت مالیات کمتر یا اعطای زمین ارزان در جهت رشد صنایعی که نیازهای اساسی و عمومی مردم مانند

نیازهای دارویی و یا مواد غذایی را تولید می‌کنند نیز می‌تواند به عنوان ابزارهایی در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی مدّ نظر قرار بگیرد.

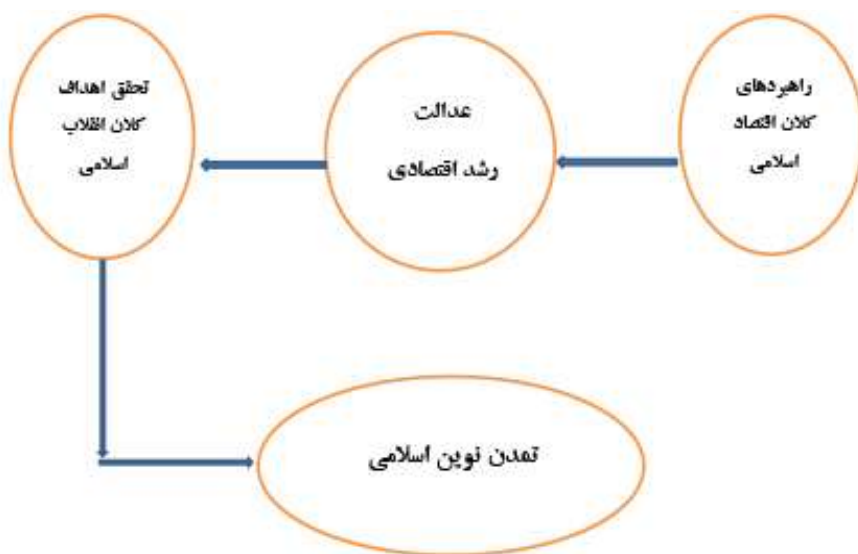
ج: در نگاه مقام معظم رهبری، تولید ثروت از راه حلال و در مسیر قانونی و مشروع و در خدمت منافع تمام جامعه و با تکیه بر اولویت بخش تولید به عنوان بستر اصلی تولید ثروت در جامعه و در خدمت منافع آحاد جامعه به خصوص نیازمندان و البته با حفظ سهم ایجادکننده ثروت، امری ممدوح و عبادت است. اما تولید ثروت در جامعه نه باید به گسترش فساد اقتصادی در جامعه بینجامد و نه باید از طریق فساد تولید ثروت اتفاق بیفتد؛ زیرا گسترش فساد در بلند مدت به تضعیف تولید و در نتیجه تولید ثروت در جامعه منجر خواهد شد.

نکته دیگری را که باید مدّ نظر قرار داد این است که زمانی مردم به عرصه مشارکت در حل معضلات وارد خواهند شد که بالاترین اعتماد را به نظام سیاسی کشور داشته باشند. لازمه این امر این است که مسئولان کشور، پاک‌دست باشند و فساد اقتصادی در میان آنان، وجود نداشته باشد.

بنابراین برخورد جدی با فساد اقتصادی و بسترهای آن یکی از لوازم اصلی ایجاد اعتماد عمومی به نظام است.

بر این اساس بسته‌های سیاستی که ضد فساد هستند و بستر ساز شفافیت به عنوان لازمه مبارزه با فساد در عرصه اداره کشور هستند، باید به عنوان بخشی از سیاست‌های اولویت‌دار مدّ نظر قرار بگیرند.

ابزارهایی مانند مالیات بر ارزش افزوده که فرایند مبادلات اقتصادی را شفاف می‌کنند و یا بسته‌هایی که با فساد اقتصادی در تولید نیازهای عمومی مردم مانند مسکن مقابله می‌کنند، بسته‌های سیاستی اولویت‌دار هستند.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جاویدی، مجتبی، *قاموس عدالت*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۴. خاکبان، سلیمان، *درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران*، نشر حضور، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۵. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۶. سیاهپوش، امیر، *الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در منظر مقام معظم رهبری*، انتشارات آفتاب توسعه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۷. *صحیفه نور*، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۹. مهاجرنیا، محسن، «جامعه آرمانی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، *ماهنامه معارف*، ش ۱۳۸۴، ۶۳ ش.